

مورخ سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ در ارض اقدس [صوت سلام عام]: درباره انداز حضرت بهاءالله به وقوع جنگ جهانی و دعوت عالم به صلح عمومی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



مورخ سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ در ارض اقدس [صوت
سلام عام]:
درباره انداز حضرت بهاءالله به وقوع جنگ جهانی و
دعوت عالم به صلح عمومی^۱

(خطابات جلد سوم، ص. ۴۳-۴۵)

هو الله

^۱ صوت سلام عام



ORIGINAL



AUDIO

این مسجون چهل ساله، بعد از آزادی، مدت سه سال، یعنی از سنه هزار و نهصد و ده تا نهایت سنه هزار و نهصد و سیزده در اقلیم اروپا و قاره وسیع امریکا سیر و سفر نمود و با وجود ضعف و ناتوانی شدید، در جمیع شهرها در محافل عظمی و کائس کبری نعره زنان نطق های مفصل کرد و آنچه که در الواح و تعالیم بهاءالله در مسئله جنگ و صلح بود انتشار داد.

حضرت بهاءالله تقریباً پنجاه سال پیش تعالیمی انتشار فرمود و آهنگ صلح عمومی بلند کرد و در جمیع الواح و رسائل، به صریح عبارت، از این وقایع حالیه خبر داد که عالم انسانی در خطر عظیم است و در استقبال حرب عمومی محتوم الوقوع، زیرا مواد ملتبه در خزائن جهنمی اروپا به شراره ای منفجر خواهد گشت. از جمله بالکان و لکان خواهد گردید و خریطه اروپ تغییر خواهد یافت. لهذا عالم انسانی را دعوت به صلح عمومی فرمود و الواحی به ملوک و سلاطین نگاشت و در آن الواح، مضرات شدید جنگ بیان فرمود و فوائد و منافع صلح عمومی آشکار کرد که حرب هادم بنیان انسانی است و انسان بنیان الهی؛ صلح حیات مجسم است و حرب ممت مصور؛ صلح روح الهی است، جنگ نفثات شیطانی؛ صلح نور آفاق است و جنگ ظلمت علی الاطلاق. جمیع انبیاء، عظام و فلاسفه قدماء و کتب الهیه بشیر صلح و وفا بودند و نذیر جنگ و جفا. این است اساس الهی، این است فیض آسمانی این است اساس شرایع الهی.

باری من در جمیع مجامع فریاد زدم که ای عقلای عالم و ای فلاسفه غرب و ای دانایان روی زمین، ابر تاریکی در پی، که افق انسانی را احاطه نماید و طوفان شدیدی در عقب که کشتی های حیات بشر را در هم شکند و سیل شدیدی عنقریب مدن و دیار اروپا را احاطه کند. پس بیدار شوید، بیدار شوید، هشیار گردید، هشیار گردید، تا جمیع به نهایت همت برخیزیم و به عون و عنایت الهیه، علم وحدت عالم انسانی برافرازیم و صلح عمومی ترویج کنیم تا عالم انسانی را از این خطر عظیم نجات دهیم. در امریک و اروپا، نفوس مقدسی ملاقات شد که در قضیه صلح عمومی، همدم و همراز بودند و در عقیده وحدت عالم انسانی متفق و هم آواز. ولی افسوس که قلیل بودند و اعظم رجال را گمان چنان بود که تجهیز جیوش و تزید قوای حریه سبب حفظ صلح و سلام است و صراحتاً بیان شد که نه چنین است، این جیوش جراره لابد روزی به میدان آید و این مواد ملتبه لابد منفجر گردد و انفجار منوط به شراره ایست که بغتة شعله به آفاق زند. ولی از عدم اتساع افکار و کوری ابصار، این بیان اذعان نمی شد تا آنکه بغتة شراره بالکان و لکان نمود. در بدایت حرب بالکان، نفوس مهمه سؤال نمودند که آیا این حرب بالکان حرب عمومی است؟ در جواب ذکر شد که منتهی به حرب عمومی گردد.

باری مقصود این است، تقریباً پنجاه سال پیش حضرت بهاءالله تحذیر از این خطر عظیم فرمود. هر چند مضرات جنگ پیش دانایان واضح و آشکار بود، ولی حال نزد عموم واضح و معین گشت که حرب آفت عالم انسانی است و هادم بنیان الهی و سبب موت ابدی و مخرب مدائن معموره آتش جهانگیر و مصیبت کبری.

لذا نعره و فریاد است که از هر طرف به اوج اعلی می رسد و آه و فغان است که زلزله بارکان عالم انداخته است. اقالیم معموره است که مطموره می گردد. از ضجیح اطفال بی پدر است که چشم ها گریان است و از فریاد و وا ویلای زنان بیچاره است که دلها در سوز و گداز است و نعره و اسفا و وا ویلا است که از دلهای مادرها بلند است و آه و فغان است که از پدرهای سالخورده به اوج آسمان می رسد. عالم آفرینش از آسایش محروم است صدای توپ و تفنگ است که مانند رعد می رسد و مواد ملتهبه است که میدان جنگ را قبرستان جوانان نورسیده می نماید. آنچه گویم بدتر از آن است.

ای دول عالم، رحمی بر عالم انسانی. ای ملل عالم، عطف نظری بر میادین حرب. ای دانایان بشر، از حال مظلومان تفقدی. ای فلاسفه غرب در این بلیه عظمی تعمقی. ای سروران جهان، در دفع این آفت تفکری. ای نوع انسان، در منع این درندگی تدبیری. حال وقت آن است که علم صلح عمومی برافرازد و این سیل عظیم را که آفت کبری است، مقاومت نمائید. هر چند این مسجون چهل سال در حبس استبداد بود ولی هیچ وقت مثل این ایام متأثر و متحسر نبوده. روح در سوز و گداز است و قلب در نهایت اسف و التهاب. چشم گریان است و جگر سوزان. بگریید و بنالید و بشتابید تا آبی بر این آتش پر شعله بزنید، بلکه به همت شما این نائره جهانسوز خاموش گردد.

ای خداوند، به فریاد بیچارگان برس، ای پاک یزدان، بر این اطفال یتیم رحم فرما، ای خداوند بی نیاز این سیل شدید را قطع کن. ای خالق جهانیان این آتش افروخته را خاموش کن. ای دادرس، به فریاد یتیمان برس. ای داور حقیقی، مادران جگر خون را تسلی ده. ای رحمن رحیم بر چشم گریان و دل سوزان پدران رحم نما. این طوفان را ساکن کن و این جنگ جهانگیر را به صلح و آشتی مبدل فرما. توئی مقتدر و توانا و توئی بینا و شنوا. عبدالبهاء عباس

